

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

جمعی از کمونیست های انقلابی- ایران
۰۸ اکتوبر ۲۰۲۴

دستاوردهای خیزش زن زندگی آزادی (ژینا):

قسمت پنجم از سلسله مقالات در رابطه با جمع بندی از خیزش ژینا به مناسبت دومین سالگرد* دستاوردها و پیشروی های خیزش ژینا به تغییرات مهمی در ساختار سیاسی قدرت نیانجامید، اما دستاوردهای دگرگون کننده تفکری، اجتماعی و سیاسی را برای جامعه به همراه داشت. این دستاوردها و تاثیراتش حتی اگر بلند مدت نباشند تسهیل کننده تغییرات انقلابی در خیزشهای آتی خواهند بود، که به آنها خواهیم پرداخت:

۱- تاثیرات در نگاه به زن و جایگاه زن در جامعه

از مهمترین دستاوردهای خیزش ژینا تاثیرات و تغییراتی در نگاه و نگرش به زن، جایگاه زن در جامعه و آگاهی بر نقش ستم بر زن در جامعه است. این مسئله نه تنها تاثیرات دگرگون کننده ای بر زنان داشته بلکه مهمتر همراهی و تاثیرات فکری بر تفکرات بخش مهمی از مردان نسبت به زنان در خانواده را نیز به همراه داشته است. اگر چه نمی توان در این مورد اغراق کرد. به هیچ وجه نمی توان گفت که پدر/مرد سالاری از جامعه رخت بر بسته است حتی نمی توان گفت که انقلابی در تفکر مردان ایران نسبت به زنان و یا حتی گسست عمیقی از مردسالاری ایجاد شده است، چون در شرایط موجود نه ممکن است و نه در واقع چنین شد و نگاه مردسالارانه به زنان در جامعه و خانواده همچنان به مثابه یک معضل مهم در جامعه باقی مانده است. هنوز جای بسیاری برای جهش های دیگر موجود است. تنها اشاره به یک نمونه از آن که حتی در دوران خیزش ژینا نیز با آن روبرو بودیم، زن کشی های وسیعی است که توسط مردان خانواده، همسر، پدر، برادر، عمو، دایی انجام پذیرفت و کماکان ادامه دارد و این جنایت وحشیانه از جانب خیلی از مردان تحت نام حفاظت از «ناموس و غیرت مردانه» حمایت شده و می شود. بنابراین آنچه در مورد تاثیر خیزش بر جامعه و بویژه تفکر مردان می توان گفت بسیار ناموزون بوده و تحت تاثیر شرایط مکانی، سنی و طبقاتی نیز می باشد که بررسی آن موضوع دیگری است.

رخت بر بستن پدر/مرد سالاری تنها با انقلابات سیاسی و اجتماعی و پیشروی به سوی جامعه کمونیستی امکان پذیر خواهد بود. اما در عین حال برای حرکت بسوی چنین انقلاباتی هر چه ترک ها و شکاف های مهم در دیدگاه های مردم جامعه نسبت به روابط پدر/مرد سالارانه بیشتر ایجاد شود هر چه گسست از نگرش های پدر/مرد سالارانه عمیقتر باشد، شرایط برای حرکت و پیشروی بسوی انقلابات سیاسی – اجتماعی آماده تر خواهد بود. می توان گفت که خیزش

ژینا نه تنها بیان تغییراتی در تفکر جامعه در مورد زن و جایگاه زن در جامعه بود بلکه فراتر شرایط را برای گسست عمیقتر و جهش بیشتر نیز فراهم کرد. شرکت وسیع زنان و نقش پیشتازی آنان در جنبش تاییدی است بر چنین دستاورد مهمی. علاوه بر آن چهره نوینی را از زنان و نقش و جایگاه مبارزاتی شان به جهانیان نشان داد. نشان داد که زنان در ایران علیرغم سرکوب وحشیانه دولتی، دین و سنت، قوانین ضد زن مبتنی بر شریعت اسلامی ... نه تنها حاضر به تمکین نیستند بلکه علیه این مناسبات زنستیزانه به شورش برخاسته اند. شورش که تأثیرات مهم بین المللی از خود برجای گذارد و الگویی برای زنان در منطقه و حتی فراتر از آن شد.

۲- گسست از تفکرات دینی

خیزش ژینا نقطه تعیین کننده ای در سنجش اهمیت دین سالاری در جامعه بود و نشان داد که ۴۵ سال تلاش بی وقفه رژیم همراه با سرکوب وحشیانه زنان برای رعایت حجاب و ارائه زنان محجبه به عنوان نماد اسلامیت رژیم، با هزینه سرسام آور تبلیغات مذهبی از جیب مردم برای گسترش دین و مذهب به بن بست خورده است. در خیزش ژینا دیگر شعارهای الله اکبر و یا هیچ شعار مذهبی دیگری نمی شنیدیم و یا حتی اگر در برخی مناطق کسی و یا تعدادی سعی می کردند این شعارها را مطرح کنند، به شعار جمعیت مبدل نمی شد. به عبارت دیگر شعارهای مذهبی در این خیزش جایی نیافت.

جمهوری اسلامی بر مبنای اسلام و اتکاء به ایدئولوژی اسلام بنیان گذارده شد. اگرچه این ایدئولوژی تنها روکش و پوششی برای پنهان کردن مناسبات استثماری سرمایه داری بود. اما طولی نکشید تا روشن شود که منظور حکومت اسلامی از "مستضعفین" همان حاکمیت باندهای زورگو و قلدرمآب است. حاکمیتی که در سرکوب و زورگویی، زندان و شکنجه، اعدام و زنستیزی رقیبی ندارد، در استثمار وحشیانه کارگران، کشاورزان و مردم و ستم بر ملیت ها و گسترده تر کردن فقر و فلاکت مردم گوی سبقت را از بقیه ربوده و در خوش خدمتی و کنار آمدن با قدرتهای بزرگ بی شرم و کم نظیرند. نتایج سیاست و فریبکاری دینی و مذهبی برای اقشار مختلف مردم و بخصوص طبقات زحمتکش و تحتانی بسیار فلاکت بار بوده است. بدون شک سرچشمه مهم سرخوردگی بخش مهمی از مردم از دین و ایدئولوژی اسلام از همین جا ناشی می شود.

جمهوری اسلامی نه تنها نتوانسته تفکرات مذهبی را گسترده تر و یا تحکیم کند بلکه موج عظیمی از واخوردگی نسبت به دین و یا حداقل نوعی از دین اسلام که رژیم مبلغ آنست در میان مردم و بخصوص جوانان بوجود آورده است، به گونه ای که جوانان بسیاری به مخالفت با دین برخاسته اند. اگر چه می توان گفت ایدئولوژی اسلامی رژیم شکست خورده است و رژیم از یک نکته اتکاء مهم اش محروم شده است و همچنین می توان گفت واخوردگی نسبت به دین و حتی ضدیت با آن افزایش بیش از انتظاری داشته است اما نمی توان در این مورد نیز اغراق کرد. دین هم چنان پایه های نسبتن محکمی در میان بخش هایی از جامعه دارد. نشانه های آن نیز خودنمایی می کند و با توسل به جملاتی از قبیل این که "اسلام حکومت، اسلام واقعی نیست" و یا "اساسن رژیم به اسلام اعتقادی ندارد"، یا اینکه "کجای قرآن به کارهایی که حکومت انجام می دهد اشاره کرده" همچنین "اسلام من با اسلام رژیم متفاوت است" در تلاش توجیه و یا پیدا کردن راهی برای ادامه اتکاء به دین و مذهب هستند، که در میان بخش هایی از جامعه که حتی ممکن است مخالفت سختی با رژیم داشته باشند موجود است. از طرف دیگر در مناطقی چون کردستان و بلوچستان که اکثریت جمعیت سنی مذهب هستند، تبعیض علیه پیروان مذهب سنی توسط رژیم باعث شده که دین و مذهب در این مناطق ضربه کمتری را متحمل شود. بطوریکه مثلا در بلوچستان اعتراضات حتی رنگ مذهبی داشت و پیروی از امام جمعه ها همچنان رایج

است و مساجد نماز جمعه یک مکان جمع شدن بود و رهبران مذهبی در این مناطق عملاً نقش رهبری کننده اعتراضات را به عهده داشتند.

به عبارت دیگر علیرغم اینکه معضل دین و مذهب همچنان حل نشده باقی مانده است اما در خیزش ژینا شاهد ضربه خوردن قابل توجه به اسلام یعنی یکی از مهمترین سلاح های رژیم جمهوری اسلامی بودیم. ضربه ای که توانست قدرت مانور رژیم در دایره دین و مذهب را تا حد بسیاری محدود کند.

۳- نمایشی از اتحاد و شجاعت

خیزش ژینا همچنین صحنه های خیره کننده ای از اتحاد مردمی، شجاعت و قهرمانی را به نمایش گذارد. اقصای مختلف جامعه بطور مشخص زنان، جوانان، دانشجویان، ملیت های تحت ستم و مادران و خانواده های دادخواه نه تنها شجاعانه نماد های رژیم را مورد هدف قرار دادند بلکه با اتحادی که نظیر آن از ابتدای حکومت جمهوری اسلامی دیده نشده بود، نظم نظام حکومتی را با جسارتی حیرت انگیز در هم ریختند پایه ها و ستون رژیم را به لرزه درآوردند و بدین گونه شمه ای از قدرت مردمی را به نمایش گذاردند.

این نمایش از قدرت مردمی دارای چند جنبه مهم بود. ابتدا اینکه مردم در مناطق مختلف از کردستان تا بلوچستان شعار "زن زندگی آزادی" را در سرلوحه کار خود قرار دادند، حول آن متحد شدند و حس همبستگی، همدردی و هم سرنوشتی بیش از هر زمان دیگر برجسته گردید. مردم در اقصی نقاط ایران فریاد زدند "کردستان چشم و چراغ ایران" و "از کردستان تا بلوچستان خونین تمام ایران" و با محکوم کردن جمعه خونین برای اولین بار در چنین سطحی نام بلوچستان در سراسر کشور و از جانب مردم تکرار و حمایت شد، حمایت از جانبگانی چون ژینا، نیکا، خدانور، کیان و... به نمادهای این خیزش و سرودهای همبستگی همه مردم مبدل شد. بخش وسیعی از مردم با این حس همبستگی و اتحاد به بیش از صد سال جنایات شونیستی تفرقه و بدبینی میان مردم و یا میان ملت های مختلف حداقل برای مدتی پایان دادند.

با نگاهی به خیزش های قبلی، جهش در اتحاد میان مردم در خیزش ژینا بیش از پیش مشخص می شود. در خیزش ۸۸ که تحت رهبری اصلاح طلبان بود دو بخش مهم از جامعه، ملیت های تحت ستم مانند کردستان و بلوچستان و همچنین بخش تحتانی جامعه غایب بود. چرا که روشن بود تا زمانیکه شعارها و خواسته های خیزش ۸۸ در سطح تغییرات و اصلاح حکومت بود نمی توانست تغییری در ستم ملی و فقر مردم مناطق تحت ستم و محروم جامعه داشته باشد. همین مطلب در مورد مسئله زنان نیز صادق است. اگر چه تعداد زنان جوان بخصوص از طبقات میانی حداقل در تهران و برخی شهرهای بزرگ نسبت به گذشته افزایش داشت، که نشانه ی اعتراض هر چند ضعیف بخشی از زنان طبقات میانی در شهرهای بزرگ بود، اما هنوز قلت تعداد زنان در این دوره به چشم می خورد. خواسته و مطالبات زنان که رفع حجاب اجباری مشخص ترین آن بود به هیچ نوعی طرح نشد و با توجه به رهبری حاکم بر این خیزش نمی توانست طرح شود.

خیزش دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ علیرغم اینکه خیزشی مربوط به تهیدستان بود و طبقات تحتانی جامعه بطور نسبی نقش محوری در این خیزش ها داشتند و حتی شعارهای ساختار شکنانه در آن غالب بود، بلوچستان اساساً بصورت مشهودی به این خیزش نپیوست و بغیر از بخش هایی از جنوب کردستان در استان کرمانشاه، بقیه مناطق کردستان در خیزش های قبلی آنچنان فعال نبودند. همچنین از بخش های عرب نشین خوزستان در خیزش های قبلی فعالیت کمتری مشاهده شده است. در مورد زنان و قلت شرکت آنان نیز در بخشهای گذشته اشاره شد. در حالیکه دلایل بسیاری برای این از هم

گسیختگی و عدم یکپارچگی در سطح جامعه می تواند وجود داشته باشد، اما به یک دلیل مهم آن می توان اشاره کرد و آن وجود احساسی از بیگانگی میان ملت ها است. بیگانگی که در اثر ستم ملی حکومت های پهلوی و جمهوری اسلامی در بیش از ۱۰۰ سال پدید آمده که با تبلیغات کثیف شونیستی، تبعیض علیه ستمدیدگان، تمسخر و تحقیر فرهنگ و زبان و لباس... همراه بوده است. تبلیغاتی که بخش هایی از مردم در دیگر مناطق کشور بخصوص بخش فارس نشین نیز در آن سهیم بوده اند. در هنگامی که این مناطق با وحشیانه ترین وجهی توسط حکومت مرکزی و دستگاه نظامی اش سرکوب شده اند، همراهی و همدردی بخش بسیار ناچیزی از مناطق دیگر را با خود دیده اند. در حالیکه بسیاری از بخش های عقب مانده به پیروی از حکومت مرکزی مبارزین این مناطق را به تجزیه طلبی، یاغی گر و دیگر القاب... متهم کرده اند. از سال ها مبارزات مردم کردستان در دوران حکومت پهلوی و هم چنین سال ها مبارزه علیه جمهوری اسلامی بخصوص در دهه ۵۰ و ۶۰ شمسی بگذریم. در هنگامی که قیام تشنه گان در خوزستان در سال ۱۴۰۰ آغاز شد، آن ها عملاً تنها ماندند و این مبارزه مهم و خونین را خود به تنهایی به پیش بردند و بجز حمایت های محدودی در برخی از شهرها از حمایت هایی که می توانست آنرا به یک جنبش سراسری مبدل کند محروم ماندند. اما خیزش ژینا این محدودیت ها را شکست، عناصر و گروه های مرتجع حکومتی و غیر حکومتی را غافلگیر کرد. شکی نیست که دو حادثه مهم گرد بودن و زن بودن ژینا از یک طرف و واقعه تجاوز به یک دختر پانزده ساله در بلوچستان که نیز مسئله زنان و ملیت ها را در خود پنهان داشت عامل مهم و زمینه ساز مهمی برای درک درد مشترک در سراسر کشور شد که توانست مردم را به هم وصل کند. این اتحاد یک دستاورد واقعی برای خیزش های انقلابی و مبارزات انقلابی مردم است که از اهمیت فوق العاده ای برخوردار می باشد. وحدتی که ضرورت و وجودش بشدت احساس می شد. این که این سطح از اتحاد اگر چه ضروری و یک دستاورد است اما برای مبارزات و پیشروی های بیشتر در پروسه انقلاب کافی نیست و پروسه همبستگی و پشتیبانی باید تحکیم یافته و گسترش بیشتری یابد. به علاوه آن چه که بدست آمده است پایدار و همیشگی نیست، چرا که عناصر شکنندگی در آن موجود است، عناصری از بدبینی ها و بی اعتمادی ها که توسط طبقات حاکمه و حکومت های شان در طول بیش از یک قرن گذشته میان مردم کاشته اند. دشمنان و مرتجعین درون حکومت و خارج از حکومت نیز بیکار ننشسته و چنین اتحادی را به هیچ وجه به نفع خود ندیده و با تمام نیرو تلاش خواهند کرد تفرقه را جایگزین کنند. اما اتحاد و همبستگی میان طبقات مردمی، جنبش های مردمی، ستمدیدگان مناطق و ملیت های مختلف و همه اقشار و طبقات محروم جامعه، برای پیروزی بر رژیم جمهوری اسلامی و همه مرتجعین یک ضرورت است. اتحادی که باید وسیعتر، گسترده تره و صفوف اش فشرده تر گردد.

۴- متزلزل کردن موقعیت رژیم در بُعدی استراتژیک

خیزش ژینا پایه های قدرت رژیم را به شدت به لرزه درآورد به اندازه ای که بسیاری را بر این باور کرده بود که جمهوری اسلامی در حال سقوط است. اگر از امکان کودتاهای درون رژیمی و یا وابسته به قدرت های امپریالیستی و یا جایگزین کردن رژیم با یک رژیم وابسته دیگر بگذریم، تصور سقوط جمهوری اسلامی و جایگزین کردن آن با نیرویی که واقعا نماینده منافع توده های مردم باشد در چنان شرایطی غیر واقعی بود. (به این مسئله با شرح بیشتر در همین نوشته در بخش های بعدی پرداخته خواهد شد) اما منظور از متزلزل کردن موقعیت رژیم از بُعد استراتژیک به این معنی است که رژیم بخش مهمی از قدرت و توان سیاسی - ایدئولوژیک و مشروعیت خود برای حکومت کردن را از دست داده است. جمهوری اسلامی که بعد از جنگ ایران و عراق در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ شمسی در اوج قدرت و توان خود برای حکومت کردن بود، توان آن با خیزش های پی در پی افول کرد. اما خیزش ژینا تاثیر کیفی بر تحلیل

بردن توان و قدرت حکومت جمهوری اسلامی نهاد و درجه مقبولیت (مشروعیت) آن را به حداقل ممکن رساند. در آستانه خیزش ژینا جمهوری اسلامی در یکی از ضعیف ترین موقعیت های اقتصادی خود قرار داشت که اکثریت مردم و به طور خاص طبقات تحتانی، کارگران و زحمتکشان را تحت فشارهای سنگین قرار داده بود. از نظر سیاسی هم تضاد با مردم و بخصوص با زنان به اوج خود رسیده بود. از طرف دیگر شکست پروژه انتصاب رئیسی که هدفش یک دست کردن رژیم و اعمال قدرت خامنه ای بود دیگر برای رژیم مشخص شده بود. به این ترتیب تضادهای درونی اش شدت بیشتری گرفته و موقعیت خامنه ای به مثابه رهبر در درون باندهای رژیم نیز تضعیف شده بود.

در حقیقت خیزش ژینا بیان شرایط دشوار و ملتهب جامعه و موقعیت تضعیف شده حکومت بود. از سوی دیگر خیزش ژینا به تشدید همان شرایط پرداخت و با قدرتی که از خود ارائه داد ضربات کاری به قدرت حاکمه وارد کرد، به گونه ای که موقعیت و توانایی اعمال قدرت رژیم را بیش از پیش تضعیف کرد تضعیفی که نه تنها جنبه کمی بلکه نقشی کیفی داشت و به تحکیم برخی از مهم ترین دستاوردهای مردمی از جمله گذر از چارچوب رژیم جمهوری اسلامی کمک کرد. علیرغم این که بالاخره رژیم توانست با اتکاء به سرکوب و کمک امپریالیست ها و خرابکاری های عناصر راست و مرتجع هم چون سلطنت طلب ها اوضاع را کنترل کند، اما رژیم به موقعیت قبل از خیزش ژینا برنگشته و برخواهد گشت چرا که رژیم اساسن مشروعیت خود را از دست داده است. این مسئله نه تنها باعث ریزش بیشتر پایه های محدودش گشته باعث ریزش در نیروهای حکومتی نیز شد، برخی فرار را بر قرار ترجیح دادند، برخی ادامه همکاری با رژیم را به صلاح و منفعت خود ندیدند. ریزش تا حدی در سطوح پایین نیروهای انتظامی نیز صورت گرفت. تضادهای درونی به گونه ای است که برایش بازسازی آن در شرایط کنونی ممکن نیست. مردم دیگر آن مردم سابق نیستند. بخش وسیعی از مردم به بسیاری از جوانب قدرت ناشناخته قدرت خود پی برده اند. همچنین به قدرت اتحاد و همبستگی مردمی، به جوشش و غلیان شجاعت از میان توده های مردم آگاه تر شده اند. به نقش فوق العاده زنان و اهمیتی که برای انقلاب دارند به درجاتی پی برده اند. مسئله سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی که بخصوص در دیماه ۹۶ سرفصل نوینی در مبارزات را آغاز کرد، تا حدی تحکیم شده است که امکان فریب مردم با بازی های انتخاباتی و یا رئیس جمهورهای به اصطلاح اصلاح طلب بسیار تقلیل یافته است. عدم شرکت اکثریت وسیع مردم در "انتخابات" ریاست جمهوری در هنگام انتصاب رئیسی و یا سیرک انتخاباتی اخیر که پزشکین را جایگزین کردند، همه نشانه های ناامیدی عمیق بخش وسیعی از مردم به این رژیم و جناح های آن است. مردمی که دیگر به آسانی در دام فریب ها و نیرنگ ها نخواهند افتاد. به عبارت دیگر رژیم با از دست دادن یک به یک اهرم های حکومتی اش از نظر استراتژیک در ضعف بیشتری قرار گرفته است.

اگر می بینیم زنان با پوشش اختیاری تهران را در دست خود دارند، اگر زندان ها به یکی از سنگرهای مهم مبارزاتی مبدل شده است با پشتوانه قدرت مردمی است که در خیزش ژینا نشان داده شد و نشان از آن دارد که دیگر اعدام ها، زندان و شکنجه های رژیم و ضرب و شتم و زنان توسط گشت ارشاد و ... کارساز نیستند. شکی نیست که رژیم در تلاش است تا کنترل دوباره خود را بازیابد. اما مبارزه بر سر حفظ و یا از دست دادن این دستاوردها همچنان در جریان است.

۵- تحکیم گذر از اصلاح طلبی و حقیر شدن تنوری ها رایج آن

گذر از اصلاح طلبی که نقطه عطفی در جنبش مردمی علیه جمهوری اسلامی است که در خیزش دیماه بروز یافت، در خیزش ژینا نه تنها تحکیم شد بلکه برخی از تنوری ها ی مسالمت آمیز و سازش کارانه ای که با جریان اصلاح

طلبی گسترش یافته بودند، نیز تضعیف شدند. می توان به تئوری هایی هم چون فمینیسم اسلامی، نسبییت فرهنگی، پراگماتیسم، گاندیسم، و... اشاره کرد که عمدتا در دوره اوج اصلاح طلبی رایج شده بود و تلاشی بود برای آشتی دادن مردم از جمله زنان با رژیم جمهوری اسلامی.

مروجین نسبییت فرهنگی که تئوریسین های اصلی آن ها سردر آخور امپریالیسم دارند تلاششان در این بود تا مسئله حجاب و در نتیجه کلیت موقعیت زنان جامعه را به فرهنگ جامعه در کشورهایمانند ایران نسبت دهند و نه مسئله ای که مربوط به ستم بر زنان و یا مناسبات حاکم در جوامع استثماراری از جمله سرمایه داری است. گاندیسم که طرفداران پرو پا قرص مخالفت با خشونت را در برمی گیرد، هم چنان در دوران خیزش از جانب نیروهایی که مخالف قهر مردمی و قهر انقلابی هستند اشاعه می شد. هواداران گاندی تلاش می کنند که این تجربه شکست خورده در هندوستان را به عنوان یک موفقیت به مردم بفروشند و این در شرایطی است که بدون قهر انقلابی در چارچوب یک استراتژی انقلابی نمی توان حکومت و دولتی که خشونت دولتی را بصورت رسمی و غیررسمی بصورت همه جانبه ای علیه مردم بکار می برد، سرنگون کرد. پراگماتیسم که فلسفه ای در خدمت به کارکرد امپریالیسم است و علن و آشکارا هدفش زیر پا گذاردن حقیقت و در دست گرفتن دغلکاری و نتایج ملموس است، یکی از مبناهایشان "هدف وسیله را توجیه می کند" است که نمونه دیگری از این تئوری هاست. این شیوه تفکر ارتجاعی در دوره ای از اوج اصلاح طلبی رشد کرده بود. همه این تئوری ها هم چنین از طریق زنانی که به نام "کمپین یک میلیون امضاء" فعالیت می کردند، تبلیغ و اشاعه می شد. "کمپینی" که هدف اش آشتی دادن زنان با جمهوری اسلامی و موازین و اصول پایه ای آن بود و به همین دلیل بود که این "کمپین" حجاب، مسئله مرکزی زنان را که به قلب جمهوری اسلامی نشانه می رفت هیچ گاه در اصول کار خود قرار نداد و خود را با تغییرات سطحی و تغییراتی در قوانین کناری مانند "دیه مساوی میان زن و مرد" و امثالهم مشغول ساخت. این جریان تلاش کرد تا تبعیض علیه زنان را از موضوع ستم بر زنان جدا کند و آن را به مناسبات استثماراری حاکم در جامعه ربط نهد و شرایط را برای آشتی با حکومت آماده سازد. روی آوری این جریان به پراگماتیسم و گاندیسم نیز بی دلیل نبود، دلیل اش اجتناب از به زندان رفتن و شکنجه شدن نبود، چون برخی از آنان به زندان رفتند و تحت فشار قرار گرفتند، چنین تفرکی برای جدا کردن تبعیض ها از ستم و جدا کردن این ستم از کل رژیم و سیستم حاکم، - اساسا از رفرمیسم و اصلاح طلبی برمیخیزد که در نتیجه آن تغییر اساسی حاصل نخواهد شد. این مسئله را هم چنین می توان از درهم آمیخته شدن این جریان با بخشی از حکومتی ها نیز دریافت.

از این نظر که اصلاح طلبی و تئوری های انحرافی مربوطه حداقل برای دورانی به کناری رانده شدند دستاورد مثبتی برای جنبش مردمی است. اگر چه تضمینی برای عدم بازگشت این نوع تئوری ها به همانگونه و یا در قالبی "نو" وجود ندارد. همان گونه که در خیزش ژینا نیز برخی هم چنان مروج و مبلغ گاندیسم و در واقع سازش طبقاتی بودند. به همین دلیل مبارزه درمقابل تئوری هایی که با توجه به پشتوانه جهان امپریالیستی امکان و توان خودنمایی دارند، برای انقلابیون کمونیست یک ضرورت است، که با اتکاء به ماتریالیسم دیالکتیک، براساس واقعیت و تجارب مبارزاتی توده ها و تئوری و نگرش کمونیسم انقلابی به افشا ماهیت و اهداف این گونه تئوری ها بپردازند.

شکی نیست که دستاوردهای خیزش ژینا گسترده تر از آن چیزی است که در این نوشته آمده و بررسی عمیقتر و گسترده تر در این مورد و هم چنین گذشت زمان جنبه های بیشتری از آن دستاوردها را برجسته و روشن خواهد ساخت. اما آن چه که در پایان این بخش لازم است اشاره شود این است که بالاخره خیزش های انقلابی تا ابد ادامه نخواهند داشت بلکه با محدودیت های خود روبرو خواهند شد. خیزش ژینا طولانی خیزش در دوران حکومت جمهوری اسلامی بود که در این مدت روحیه انقلابی را بر بخش مهمی از جامعه حاکم نمود، و این نشانه شدت و حدت تضاد

میان مردم و حاکمیت بود. ادامه بیشتر آن به معنی تعمیق بیشتر آن می بود و به معنی پیشروی ها و دستاوردهای بیشتر و عقب نشانیدن بیشتر حکومت نیز می بود. اما این خیزش بالاخره با محدودیت ها و موانع خود روبرو شد و قبل از آن که بتواند قله های با ثباتی را فتح کند به تدریج از ظرفیت تکانه اش کاسته شد و تحلیل رفت. چرا چنین شد، محدودیت های آن چه بودند و با چه چالش هایی روبرو شد را در بخش بعدی مورد بررسی قرار می دهیم.

جمعی از کمونیست های انقلابی - ایران

۷ مهر - میزان - ۱۴۰۳

* - در سلسله مقالاتی که در ارتباط با جمع بندی خیزش زن زندگی آزادی (ژینا) که در آستانه دومین سالگرد آن منتشر می شود، در قسمت اول به ویژگی های این خیزش و زمینه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن، همچنین گسستی را که این خیزش از تفکرات مردسالارانه نسبت به مبارزات توده ای قبل نمایندگی کرد، پرداخته شد. در دومین قسمت نقش محوری حجاب اجباری در خیزش ژینا را مورد بحث قرار داد و در سومین قسمت آن به اینتولوژی و شکاف نسلی در خیزش ژینا پرداخته شد. در قسمت چهارم به این موضوع که خیزش ژینا علاوه بر جمهوری اسلامی که دشمن عمده آن بود دشمنان قهار دیگری داشت که ماسک دفاع و حامی خیزش ژینا را بر صورت های خود زده بودند اما ضربات مهلکی بر آن وارد کردن.

یادداشت: این مطلب به مناسبت ملحوظات خاصی ویراستاری نشده است. - اداره پورتال